



مسیر تولید تنها ماند.

○ حدود شش سال است که فیلمی را در مقام کارگردان نساخته‌اید. آیا این فاصله نتیجه شرایط تولید است یا انتخاب شخصی شما؟

هر دو عامل در این مسیر نقش داشته‌اند. در این مدت، پیشنهادهایی مطرح شده و درباره پروژه‌های مختلف گفت و گو کرده‌ام، اما همه پیشنهادها را نپذیرفته‌ام. گاهی پروژه به نگاه مستقل من سازگار نبوده و ترجیح داده‌ام در آن حضور نداشته باشم. برای من مهم است که اگر فیلمی می‌سازم، بتوانم از آن دفاع کنم و به قصه و جهانش باور داشته باشم.

کارگردانی همچنان برایم مهم است و این فاصله به معنای کنار گذاشتن سینما نیست. در این سال‌ها، به‌جای اینکه صرفاً برای حفظ حضورم در مقام کارگردان هر پروژه‌ای را بپذیرم، تلاش کرده‌ام در جایگاه تهیه‌کننده با فیلم‌سازان دیگر همکاری کنم. این همراهی به من امکان می‌دهد در تولید آثاری که دغدغه‌مند هستند سهم داشته باشم و تجربه‌ام را در اختیار دیگران بگذارم. اگر قرار باشد برای ادامه حضور حرفه‌ای، فیلمی بسازم که به آن باور ندارم، ترجیح می‌دهم صبر کنم. حتی اگر شش سال دیگر هم طول بکشد، برایم مهم‌تر است اثری تولید کنم که بتوانم پای آن بایستم. البته این تصمیم به معنای نادیده گرفتن مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های تولید نیست؛ این عوامل واقعی‌اند و بر امکان فیلم‌سازی تأثیر می‌گذارند. اما نمی‌خواهم استقلال فکری را به بهای ساختن هر پروژه‌ای کنار بگذارم. در عین حال، امیدوارم شرایطی فراهم شود که فیلم‌سازان برای ادامه فعالیت مجبور نباشند میان استقلال و امکان تولید یکی را انتخاب کنند. سینمای مستقل به فضایی نیاز دارد که در آن، فیلم‌ساز بتواند بر اساس باور و نگاه خودش کار کند و در عین حال، فرصت دسترسی به منابع و امکان عرضه اثر را داشته باشد.

○ در نهایت برایمان بگویید! چه انتظاری از جشنواره فیلم کوتاه تهران و نهادهای سینمایی دارید در حمایت از فیلم کوتاه دارید؟

امیدوارم جشنواره همچنان فضایی برای دیده شدن آثار تازه و معرفی فیلم‌سازان جوان باشد. حضور در جشنواره، دریافت بازخورد و مواجهه با مخاطب می‌تواند برای فیلم‌سازی که در آغاز مسیر قرار دارد، اهمیت زیادی داشته باشد. درست است که جایزه همه‌چیز نیست، اما نباید اهمیت تشویق و حمایت از تجربه‌های اول را دست‌کم گرفت.

در کنار جشنواره، به ساختارهایی نیاز داریم که امکان ادامه مسیر را فراهم کنند. فیلم‌ساز نباید فقط در زمان جشنواره دیده شود و بعد، برای تولید اثر بعدی یا عرضه فیلمش با همان مشکلات قبلی تنها بماند. باید بتواند مسیر مشخصی برای تولید، نمایش و پخش دسترسی داشته باشد.

همچنین انتظار دارم در تصمیم‌گیری‌ها، کیفیت اثر و شایستگی فیلم‌ساز در اولویت قرار بگیرد و حمایت از سینمای مستقل از سطح شعار فراتر برود. همچنین امیدوارم شرایط اقتصادی کشور به ثبات بیشتری برسد تا فشار «غم‌نان» بر دوش عوامل سینما کمتر شود. تولید فیلم، به‌ویژه برای گروه‌های مستقل، در شرایط دشوار اقتصادی بسیار سخت است و همه ما به فضایی نیاز داریم که امکان کار حرفه‌ای را فراهم کند.

سینمای کوتاه ایران ظرفیت‌های زیادی دارد. فیلم‌سازان جوان با وجود محدودیت‌ها همچنان تلاش می‌کنند و آثار متنوعی می‌سازند. اگر این تلاش با حمایت حرفه‌ای، امکان نمایش و سازوکار اقتصادی همراه شود، می‌توان امیدوار بود که سینمای کوتاه در داخل و خارج از ایران جایگاه محکم‌تری پیدا کند. مهم این است که اجازه بدهیم فیلم‌سازان بر اساس کیفیت و توانایی‌شان دیده شوند و برای ادامه مسیر، فرصت واقعی داشته باشند.

از ابتدا تلاش کند. همین مسئله می‌تواند به دلسردی منجر شود. فیلم‌سازی که سال‌ها تجربه کسب کرده و اثری ساخته که مورد توجه قرار گرفته، انتظار دارد این تجربه در مسیر بعدی‌اش بی‌تأثیر نباشد. اما اگر در هر مرحله، معیارهای دیگری وارد تصمیم‌گیری شوند، امکان ادامه کار دشوار می‌شود.

○ شما از دشواری‌های کارگردانی زنان صحبت کرده‌اید. آیا در تجربه شما، جنسیت هنوز بر تصمیم‌گیری درباره پروژه‌ها تأثیر می‌گذارد؟

در تجربه من، گاهی پرسش‌هایی مطرح می‌شود که اساساً نباید معیار ارزیابی یک فیلم‌ساز باشد. اینکه کارگردان زن است یا مرد، مجرد است یا متأهل، پیش‌تر یا چه کسی کار کرده یا چه کسی او را معرفی کرده، چرا باید جای بررسی کارنامه، توانایی و کیفیت فیلمنامه را بگیرد؟ گاهی تصمیم‌گیرنده به‌جای اینکه از خودش بپرسد این فیلم‌ساز چه تجربه‌ای دارد، چه آثاری ساخته و آیا برای این پروژه مناسب است، به مجموعه‌ای از مسائل جانبی فکر می‌کند. ممکن است درباره روابط حرفه‌ای فرد، وضعیت شخصی او یا اینکه در آینده به چه کسانی همکاری خواهد کرد، پرسش‌هایی مطرح شود. همین پرسش‌ها می‌توانند آن‌قدر پررنگ شوند که اصل پروژه از اولویت خارج شود. نمی‌گویم همه مدیران و تهیه‌کنندگان چنین نگاهی دارند. افراد حرفه‌ای‌ای وجود دارند که کیفیت اثر و توانایی فیلم‌ساز را معیار تصمیم‌گیری قرار می‌دهند. اما به نظرم تعداد کسانی که واقعا این مسائل را کنار می‌گذارند و فقط بر اساس شایستگی تصمیم می‌گیرند، آن‌قدر زیاد نیست که بتوان گفت مشکل حل شده است.

این موضوع فقط به یک فرد یا یک تصمیم محدود نمی‌شود. در تولید یک فیلم، مدیر، سرمایه‌گذار، تهیه‌کننده و همکاران مختلفی دخالت دارند و هرکدام می‌توانند بر مسیر پروژه تأثیر بگذارند. اگر در یکی از این مراحل، نگاه غیرحرفه‌ای جای معیارهای درست را بگیرد، کل مسیر دشوار می‌شود.

برای یک کارگردان زن، این شرایط می‌تواند فشار مضاعفی ایجاد کند. او باید علاوه بر مسائل معمول تولید، انرژی خود را صرف عبور از موانعی کند که ارتباط مستقیمی با توانایی هنری‌اش ندارند. من در طول سال‌های فعالیت، دشواری‌های مختلفی را تجربه کرده‌ام و به همین دلیل، امروز حمایت از فیلم‌سازان جوان‌تر برایم اهمیت دارد.

در انتخاب «منجمد» نیز، دغدغه اجتماعی اثر و ابعاد زنانه قصه برایم مهم بود. احمد سولگی، کارگردان فیلم، پیشینه تئاتری دارد و من به‌نگاه او احترام می‌گذارم. احساس کردم این پروژه با دغدغه‌های اجتماعی و سینمایی من همخوانی دارد و می‌توانم در مقام تهیه‌کننده به شکل‌گیری آن کمک کنم. برایم مهم بود که فیلم‌ساز بتواند روی کارگردانی تمرکز کند و در

که می‌داند چه می‌خواهد، می‌تواند نظر بازیگر حرفه‌ای را جلب کند.

در «شب‌زده»، به کارگردانی نیلوفر فولادی، محمد صابری نقش اصلی را بازی می‌کند. این فیلم به موضوع اعتیاد می‌پردازد و از نظر اجتماعی دغدغه‌مند است. در اینجا نیز مهم است که بازیگر بتواند بار نقش را به‌درستی به دوش بکشد و با جهان فیلم هماهنگ باشد.

در دیگر آثار حاضر در بسته پخش ما، از جمله «فاصله کانونی» ساخته ستاره آزاد و «خاک» ساخته یارمحمدی از جنوب کشور، آنچه اهمیت دارد، خود فیلم و شیوه روایت آن است. «اسب سیاه» نیز با سینمای کردی و فیلم‌سازی در مهاباد پیوند دارد و قرار است در بخش فیلم کوتاه کردی جشنواره دهوک حضور داشته باشد. این آثار لزوماً متکی به چهره‌های مشهور نیستند، اما هرکدام ظرفیت‌های خاص خود را دارند.

باید از این تصور فاصله بگیریم که فیلم کوتاه برای دیده شدن حتماً به بازیگر شناخته‌شده نیاز دارد. بازیگر مناسب می‌تواند به اثر کمک کند، اما در نهایت، فیلم خوب است که ماندگار می‌شود. در سینمای بلند نیز حضور چند چهره شناخته‌شده تضمین‌کننده موفقیت نیست. فیلمنامه، کارگردانی و تناسب اجزای اثر همچنان تعیین‌کننده‌اند.

○ حضور تهیه‌کنندگان حرفه‌ای در سینمای کوتاه، گاهی با این نگرانی همراه است که فرصت تجربه از فیلم‌سازان و عوامل جوان گرفته شود. شما این نگرانی را چقدر جدی می‌دانید؟

به نظرم این دورویکرد لزوماً در تضاد با یکدیگر نیستند. برخی معتقدند سینمای کوتاه باید فضایی برای تجربه نیروهای جوان باشد؛ برای مثال، دستیار فیلم‌بردار بتواند تجربه بیشتری کسب کند یا عوامل تازه‌کار فرصت پیدا کنند مسئولیت‌های جدی‌تری برعهده بگیرند. این نگاه کاملاً قابل‌درک است و سینمای کوتاه واقعا می‌تواند بستری برای رشد نیروهای تازه‌نفس باشد.

از طرف دیگر، حضور تهیه‌کننده حرفه‌ای می‌تواند به مدیریت منابع و استانداردهای تولید کمک کند. وقتی تهیه‌کننده‌ای با تجربه کنار کارگردان قرار می‌گیرد، کارگردان می‌تواند تمرکز بیشتری بر ساخت فیلم داشته باشد و بخشی از مسائل اجرایی و مالی را به او بسپارد. این موضوع به‌ویژه برای فیلم‌سازانی که در نخستین تجربه‌هایشان هستند، اهمیت دارد.

می‌توان هم‌زمان از تجربه‌تهیه‌کنندگان حرفه‌ای استفاده کرد و فرصت یادگیری را برای عوامل جوان فراهم آورد. مسئله، ایجاد تعادل است؛ نه اینکه یک گروه را در برابر گروه دیگر قرار دهیم. هرچه تولید حرفه‌ای‌تر مدیریت شود، امکان آن بیشتر می‌شود که فیلم‌ساز با آرامش و تمرکز بیشتری کار کند و عوامل نیز در یک محیط مناسب تجربه کسب کنند.

در عین حال، افزایش نیاز فیلم‌سازان به تهیه‌کنندگان حرفه‌ای، یک پرسش جدی را نیز مطرح می‌کند: چرا تأمین هزینه تولید برای فیلم‌سازان مستقل دشوارتر شده است؟ این وضعیت از یک سو زمینه همکاری‌های تازه را فراهم می‌کند و از سوی دیگر نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی تولید تا چه اندازه پیچیده شده است. بنابراین، باید هم از این همکاری‌ها استقبال کرد و هم درباره موانعی که آن‌ها را ضروری کرده‌اند، حرف زد.

○ شما با فیلم «پاسیو» جایزه مهمی دریافت کردید، اما از دشوارترین شدن مسیر حرفه‌ای خودتان صحبت می‌کنید. چرا جایزه‌ها همیشه به فرصت‌های تازه منجر نمی‌شوند؟

تجربه من این بود که دریافت سیم‌رغ بلورین در بخش جلوه‌های شرق جشنواره جهانی فیلم فجر، مسیر حرفه‌ای‌ام را آن‌طور که انتظار می‌رفت هموار نکرد. ممکن است از بیرون تصور شود که بعد از دریافت یک جایزه معتبر، پیشنهادهای بیشتری مطرح می‌شود و شرایط تولید فیلم بعدی آسان‌تر خواهد شد. اما در تجربه من، اتفاق متفاوتی افتاد و در برخی مقاطع، مسیر پیچیده‌تر شد.

این تجربه را نباید فقط به زندگی حرفه‌ای من محدود کرد. بسیاری از همکارانم نیز با چنین وضعیتی روبه‌رو شده‌اند. وقتی نظام تصمیم‌گیری شفاف نباشد و شایستگی و کیفیت اثر به معیار اصلی تبدیل نشود، جایزه هم لزوماً به فرصت کاری منتهی نمی‌شود. گاهی فیلم‌ساز با وجود سابقه و موفقیت، همچنان باید برای اثبات توانایی‌هایش

اقتصادی خودشان را دارند. اما برای رسیدن به این ظرفیت، باید اولویت‌ها و سازوکارها را درست تعریف کنیم. پرسش ابتدایی این است که آیا حمایت از تولید مستقل و اندیشه مستقل در اولویت قرار دارد؟ آیا می‌توانیم برای تولید فیلم کوتاه، مسیری تعریف کنیم که از تأمین سرمایه شروع شود و به نمایش، پخش و بازگشت مالی برسد؟

«منجمد» با سرمایه شخصی تولید شده است. من به‌عنوان تهیه‌کننده، منابع محدودی دارم و نمی‌توانم هر سال تعداد نامحدودی فیلم را حمایت کنم. همین مسئله درباره بسیاری از تهیه‌کنندگان مستقل هم صدق می‌کند. علاقه و دغدغه برای تولید لازم است، اما به‌تنهایی کافی نیست. سرمایه شخصی محدود است و نمی‌تواند جای یک نظام اقتصادی پایدار را بگیرد.

از سوی دیگر، باید درباره نقش بازیگران و عوامل حرفه‌ای نیز فکر کنیم. بسیاری از بازیگران در فیلم کوتاه با دستمزدهای محدود یا از سر علاقه به قصه و موضوع همکاری می‌کنند. این همراهی ارزشمند است، اما نمی‌توان انتظار داشت که تمام بخش‌های تولید برای همیشه بر مبنای فداکاری و صرف‌نظر کردن از دستمزد اداره شوند. اگر می‌خواهیم این همکاری ادامه داشته باشد، باید سازوکاری ایجاد کنیم که حضور عوامل حرفه‌ای از نظر اقتصادی نیز قابل‌دوام باشد.

انجمن سینمای جوانان ایران در سال‌های گذشته بخشی از نیازهای تولید را پوشش داده است، اما حمایت از تولید با شکل‌گیری چرخه اقتصادی تفاوت دارد. باید مشخص شود که فیلم‌پس از تولید کجا نمایش داده می‌شود، چه فرصت‌هایی برای عرضه آن وجود دارد و چگونه می‌توان بخشی از هزینه‌های تولید را بازگرداند. بدون این حلقه‌ها، تولید مستقل همچنان به منابع محدود شخصی وابسته می‌ماند.

در حوزه پخش بین الملل، تلاش می‌کنیم برای فیلم‌هایی که در جشنواره‌های معتبر پذیرفته می‌شوند، جایزه می‌گیرند یا امکان حضور در پلتفرم‌ها را پیدا می‌کنند، فرصت‌هایی برای درآمدزایی ایجاد کنیم. این درآمد‌ها در بسیاری از موارد محدود است و هنوز نمی‌توان گفت یک چرخه اقتصادی فراگیر شکل گرفته است. با این حال، همین تجربه‌ها نشان می‌دهد که می‌توان راه‌هایی برای عرضه و درآمدزایی پیدا کرد؛ به شرط آنکه این فعالیت‌ها پراکنده و مقطعی باقی نمانند.

○ آیا استقبال مخاطبان از جشنواره می‌تواند به ایجاد بازار منظم نمایش فیلم کوتاه کمک کند؟

استقبال مخاطبان از فیلم کوتاه را نمی‌توان نادیده گرفت. در دوره‌های اخیر جشنواره، علاقه تماشاگران به این آثار قابل مشاهده بوده است. مخاطب امروز گاهی ترجیح می‌دهد در زمانی کوتاه، یک قصه کامل و تأثیرگذار ببیند. فیلم کوتاه می‌تواند از این تغییر در عادت‌های تماشای رسانه‌ای بهره‌بردار.

اگر فیلم‌سازی بتواند حرفش را در ۱۰ یا ۱۵ دقیقه به‌درستی بیان کند، چرا نباید این امکان برای مخاطب فراهم باشد که آن را در بستری منظم تماشا کند؟ این موضوع به معنای بی‌اهمیت شدن فیلم بلند نیست؛ هر قالب سینمایی کارکرد خودش را دارد. اما در شرایطی که هزینه تولید و نمایش افزایش یافته، باید به ظرفیت‌های متفاوت سینما نیز توجه کنیم.

طرح‌هایی مانند نمایش‌های «قرار» و پاتوق‌های فیلم کوتاه، قدم‌های مثبتی هستند. با این حال، این برنامه‌ها هنوز تمام آن چیزی نیستند که برای شکل‌گیری یک چرخه اقتصادی لازم داریم. نمایش باید استمرار داشته باشد، مخاطب بتواند به آثار دسترسی پیدا کند و فیلم‌ساز بداند پس از تولید، مسیر عرضه مشخصی پیش روی او قرار دارد. به نظرم باید از نگاه صرفاً جشنواره‌ای به فیلم کوتاه عبور کنیم. جشنواره فرصت مهمی برای دیده شدن است، اما نمی‌تواند تنها مسیر نمایش باشد. اگر فیلم کوتاه قرار است به یک جریان پایدار تبدیل شود، باید در طول سال نیز امکان عرضه و ارتباط با مخاطب داشته باشد.

○ حضور بازیگران شناخته‌شده در فیلم کوتاه، از جمله مجتبی پیرزاد در «منجمد»، چقدر می‌تواند به دیده شدن آثار کمک کند؟ آیا حضور چهره‌ها به کیفیت فیلم نیز کمک می‌کند؟

بازیگر شناخته‌شده می‌تواند به دیده شدن فیلم کمک کند، به‌خصوص برای مخاطبی که ارتباط مستمری با سینمای کوتاه ندارد. اما مسئله اصلی، شهرت بازیگر نیست؛ انتخاب درست و تناسب او با نقش اهمیت دارد. اگر بازیگر با شخصیت و جهان فیلم هماهنگ نباشد، شناخته‌شده بودنش نمی‌تواند ضعف‌های اثر را جبران کند.

در «منجمد»، حضور مجتبی پیرزاده برای ما بسیار ارزشمند بود. او به فیلم کمک کرد و معتقدم بخشی از کیفیت اثر به همراهی و توانایی او مربوط است. اما این همکاری صرفاً به‌دلیل شهرت او نبود؛ مهم این بود که با نقش و قصه ارتباط برقرار می‌کرد.

بسیاری از بازیگران حرفه‌ای به‌دلیل فیلمنامه و دغدغه اثر، حاضر می‌شوند در فیلم کوتاه همکاری کنند. در این حوزه معمولاً دستمزدها با پروژه‌های بلند قابل‌مقایسه نیست، بنابراین علاقه به قصه و موضوع نقش مهمی دارد. فیلم‌ساز اگر بتواند متن خوبی ارائه کند و نشان دهد